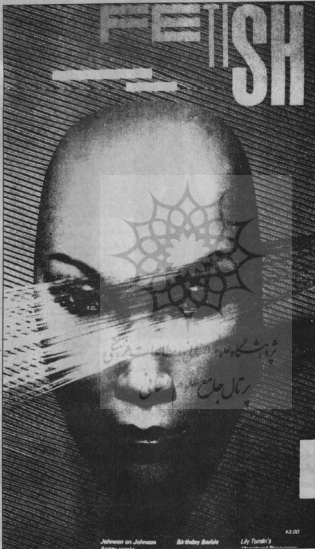


طراحی گرافیک از ویکتورین تاپست مدرن

بخش پایانی

پست مدرنیسم

ترجمه شروین شهامی پور



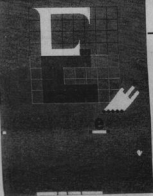
چون کلاسیکترین و نویند استرایک. روی جلد جمله Fetish ۱۹۸۰

Johnson on Johnson

Shirley Baskin

Lily Tomlin's

#2.00



رزماری نیسی

پوستر برای شرکت طراحی حروف - ۱۹۸۲



تیرگی پستری - روی جلد مجله

انوره سونتاس کار با لنگه‌ها لوازم منزل ۱۹۸۱



واژه پستمدرن از میان فضای طراحی اسامی انتقادی دهه ۸۰ بیرون آمده و برای سبکی ویژه به کار رفته که پایه‌هایش نه بر اساس تعصب، که بر مبنای تلافی انتقادی و الهامی تئوری‌ها و تلاش‌های طراحان مستقل از سراسر جهان بوده است.

نقدهای رایج معماری، این واژه را به مفهوم کمتر کشدتن پانزی و خلوص و سوسلی گونه مدرنیسم از تدوکی در جهت روزآمد کردن نوعی تزئینات نئو-کلاسیکی معنا کرده‌اند. واژه پستمدرنیسم در طراحی معاصر اطلاق چندان محکم و صریحی بر آثار مشخص طراحی ندارد، بلکه تنها در حد عنوان و سرلوحه موقت به کار می‌رود.

در بین مصداق‌های پستمدرنیسم در طراحی، افزون بر آثار طراحان امروزی، به کارهای بیرون باهاوس و به آثار تمامی طراحانی که به زیرسگ‌های دهه ۸۰ چون نئو-دادا، نئو-اکسپرسیونیسم و پلانک گرایش داشتند، می‌توان اشاره کرد.

پستمدرنیسم همچون آرکو، به‌منظور تسلیفی به چهره‌ی قابل قبول برای مقاصد تجاری، دستاوردهای تاریخ هنر و تکنولوژی نوین را با گرایش‌های دکوراتیو در هم آمیخت.

پوند بین زیرسگ‌های گوناگون‌اش، تصویری محض است و اگرچه ممکن است فیلسوفانه نباشد اما نشان‌های خاصی خود را داراست. هندهمایه پرتحرک و بازیگوشانه، و تصاویر قطعه‌قطعه شده، هماهنگی خفیف و جذاب، تاپیوگرافی ناساز و با فاصله، همراه با بازگشت‌های فراوان به آثار هنری و طراحی پیشین.

زیبایی‌شناسی طراحی پستمدرنیستی مدتها پیش از نام گذاری‌اش در فضای هنر جریان یافته بود. در اواخر دهه پنجاه و شصت، نخستین پارچه‌های پستمدرنیسم زودرس در شیوه‌گرای آرنو و اردکو که در استودیوهای Push Pin بازخوانی شده بود نمایان شد. حتی پیش از آن در سال ۱۹۶۲ انوره سونتاس جنیور Ettore Sottsass Jr یک سری آثار گرافیکی را با در هم آمیختن فرم‌های کلاسیک‌تیستی و تصاویر هندسی رنگارنگ و شاد خلق کرد. او برای شیوه خود نام -

شیوه ممفیس Memphis Style را انتخاب کرد.

سونتاس در اوائل دهه ۸۰ وقتی دریابانت که کارش به طرز مؤثری در بهبود محیط شهری کاربرد دارد، بر طراحی برای خانه بعنوان آخرین مکان برای آزادی شخصی آدمی متمرکز شد. او در این زمینه تمامی موزه‌های آزادی، تری را پشت سر گذاشت؛ مبلان، لوازم منزل و پارچه‌هایی با طرح‌های کار پیکاتور

مانند و رنگارنگش در آن واحد بازیگوشانه، گستاخ و عصبانی علیه فانکشنالیسم (کارکردگرایی) مقرراتی بود. طبیعت کلان / مونتانز سهمندی آثارش به‌شدت بر چهره طراحی گرافیک میلان، پارسلون، لوسی آنجلس، سن فرانسیسکو و توکیو تأثیر گذاشت و شیوه‌اش تا امروز نیز در چگونگی کارکرد طراحی گرافیک در محصولات مصرفی پادوام ادامه یافته است.

مکتب بازال نخستین نقش سونتاس در پستمدرنیسم را تثبیت کرده است. ولفگانگ وایننگارت Wolfgang Weingart در سال ۱۹۶۸ به این حوزه هنری پیوست. او با کنار گذاشتن نظم و پاکیزگی طراحی و تاپیوگرافی سونسی، وزن حروف را در یک کلمه با هم مخلوط می‌کرد، صفحه را شکمبندی می‌کرد و سپس آن‌ها را به هم می‌ریخت و حروف را به درون تصویر می‌کشید.

اگرچه طراحی او ریشه در فرمالیسم سونتاس داشت اما آثارش در مکتب بازل با ویژگی‌های مصر کامپیوتر، نوعی راهایی از فضای دودمی را گسترش داد. شمار زیادی از دانشجویان اروپایی و امریکایی که نزد وایننگارت تحصیل کرده بودند شیوه‌های دخالت خلاصه او را برای ارائه چهره‌ی ویژه در طراحی گرافیک دهه ۸۰ گسترش دادند.

دن فریدمن Dan Friedman طراح نیویورکی فارغ‌التحصیل بازال که بعدها در Suny و Yale به تدریس پرداخته، از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آموزگاران سبک جدید بود. او پروژه‌های دانشجویی جذاب و گوناگونی را طرح‌ریزی کرد و توانایی آمیزش جنبه‌های طراحی اولنگارد و واقع‌بینانه را به آزمون کشید. او در سال ۱۹۷۲ این پریش را مطرح کرد، در

les jeudis de la marionnette

MAISON DE LA CULTURE DE BRUXELLES / MARS 1983



Alain Le Quereno - پوستر پنجشنبه مارپونت ۱۹۸۳

حداقل حسن‌پذیری زیبایی‌شناسی مشابه که در تمامی رسانه‌ها قابل رویت است با ارزیابی فرآورده‌های گوناگون قابل شناخته است. با این حال زیبایی‌شناسی عمدتاً از سبک‌های طراحان خاص تکامل می‌یابد و از طریق رسانه‌ها بصورت شد غول‌پسندانه درویج می‌شود. تنها زمان اهمیت و طبیعت حقیقی آن را آشکار می‌سازد.

کاریکاتور نیست می‌گوید: بانگ یک بیان صادقانه بود، اما موج نو New Wave یک نام و دورهٔ بنجمندی شده است.

علیرغم برجسب پست‌مدرن، به بسیاری از آثار دههٔ ۸۰ باید آثار این دوره رایا عناوین گوناگون بخش‌های مختلف‌اش شناخته شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد یک دورهٔ مشترک با واژگان مشترک با

حالی که خوانایی Legibility (کیفیتی برای خواندن ساده، واضح و کنار) همواره با خوانندگی بودن Readability (کیفیتی مبتنی بر لذت، علاقه و چالش در خواندن) در تعارض است، یک عبارت تائیدگراییک تا چمد می‌تواند کارگردد و در آن واحد غیرمرسوم و غیرسنجی باشد؛

در لس‌آنجلس آپریل گری‌من April Greiman طراح و حاییم آجرز Hayme Odgers عکاس، زبانی نوین را با استفاده از عکاسی جنبشی و پرتحرک انتخاب کردند. آن‌ها با ترکیب اصول بازل و پاپ افانک گالفرنیا به نتیجه‌یی دست یافتند که شاید بتوان آن را هیلیت افراعات‌آمیز نامویره نامید که از لحاظ بافت به آثار Hippnosis استودیوی انگلیسی طراحی روی جلد آلبوم‌های موسیقی و طراح ایزبی پیستر : تانانوری یوکو - شباهت داشت گری‌من بعدها با استفاده از تصویربرداری استرالی کانیوتوری حد و مرزهای خوانایی Legibility را گسترش داد. در همان زمان یک گروه طراح از سن‌فرانسیسکو تحت‌تأثیر دو معیار به نام‌های رابرت پنثوری و مایکل گریوز، مونتیپهای دگسورانسو پست‌مدرنیستی را با نشانه‌هایی نئو-کلاسیسم کارآمد رواج داد.

استادان آکادمی کزن بروک در بلومفیلد هیلز میشیگان طراحی تحلیل‌گراییه‌یی را ارائه کردند که برپایه تئوری شلودمکنی deconstruction استوار بود. آن‌ها بر آن بودند که دریابند آیا می‌توان از طریق اوتسلاط تصویری ابستره و با بیان پیکرنگاری‌های تائیدگرایی پیچیده، مفاهیم چند لایه را معنا بخشید؟ در کنار چنین جست‌وجوهای تحلیل‌گراییه‌یی در طراحی گرافیک، دست‌یافت‌های بیان‌گراییه‌تری هم وجود داشت. درست مانند Psychodelia در یک دههٔ قبل، پانک (شناخته شده با نام‌های لسکو-کسپرسوئیسم و لسکو-دا) که نخم و ترک‌میلدیسوات زیرزمینی دههٔ ۶۰ بود و زیبایی‌شناسی ضدطراحی را به‌نمایش گذاشت.

بانگ که ریشه در انگلستان - سکوی پرتاب موسیقی راک - داشت در متن بسیاری از فرهنگ‌های محلی نظیر لندن، نیویورک، لس‌آنجلس و سیاتل گسترش یافت طراحی‌اش متأثر از سرعت و اقتصاد بود و نشانه‌های پوستر و روزنامه‌های مصور جنجالی‌اش کالافهایی با لایهٔ زخمی و پاره و فرم چسب‌خورده بود که در میان آن حروف و تصاویر را نقش می‌کردند. تصاویر کمیک که در نشریات زیرزمینی به‌جای می‌رسید، نقش مهمی را در هنر تصویری بانگ ایفا کرد.

جنبش بانگ در سوئیس بیشتر تصویری و خشن بود ولی ناگهان به سمت موج نوی تجاری گرایش پیدا کرد و نسایود شد. گری پنتر Gary Panter،